

Examining the components of the curriculum "media translation" in the field of German language and literature at the bachelor's level



Mohammadreza Dousti Zadeh✉  0009-0001-6298-9008

Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: dostizadeh@ut.ac.ir



Freidoon Naemi**  0009-0008-1238-1361

Department of German Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: fenaemi@yahoo.de

ABSTRACT

In the era of globalization and the domination of information-oriented media, the need for language specialists in the field of media translation is strongly felt. This need arises from the continuous growth and evolution of the media industry, which creates a greater demand for the training of translators. But by examining various aspects of media text translation training in Iran, it is concluded that the educational goals are not realized due to the lack of consideration of the structure of the media and the function of this type of translation. The aim of this thesis is to rely on the framework of the Scopus theory and translation theories such as "functional translation", "theory of descriptive studies of translation" and other dominant theories on the science of translation, "headline writing" of the media translation course in the undergraduate language course and examine German literature at the offering universities as well. This descriptive research examines the data of the subject of this course approved by the Ministry of Science and provides qualitative analyzes for this purpose. In this research, after analyzing the strengths and weaknesses of the course, scientific and practical solutions for processing and transferring media translation skills are presented to students, and in this regard, based on the scientific analysis, suggestions are made to overcome the weaknesses. The result of this article shows that there is a need to provide a supplementary course or even a specialized course in media translation.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 07 September 2024

Received in revised form
26 December 2024

Accepted: 01 January 2025

Available online:
Winter2025

Keywords:

translation training, media translation, press texts, media translation skills, headline

Dousti Zadeh, M. and Naemi, F. (2024). Examining the components of the curriculum "media translation" in the field of German language and literature at the bachelor's level.. *Journal of Foreign Language Research*, 14 (4), 579-595. <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.377522.1137>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.377522.1137>.

✉* M.S, 1997, contemporary german literature, Julius-Maximilian University of Wuerzburg B.S, 1990, German Language and Literature, University of Shahid Beheshti

** Bachelor's in German Language and Literature (Beheshti), Bachelor's in Turkish Language and Literature (Allameh), Master's in German Studies (Tehran), PhD student in German Didactics (Tehran)

بررسی مؤلفه‌های برنامه درسی «ترجمه رسانه‌ای» در رشته زبان و ادبیات آلمانی در مقطع کارشناسی

محمدرضا دوستی زاده *

گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌های و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دوستی‌زاده: dostizadeh@ut.ac.ir



فریدون ناعمی **

گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌های و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ناعمی: fenaemi@yahoo.de



چکیده

در عصر جهانی‌شدن و سلطه رسانه‌های جهت‌دار بر اطلاعات، نیاز به متخصصان زبان در حوزه ترجمه رسانه‌ای به شدت احساس می‌شود. این نیاز از رشد پیوسته و تکامل صنعت رسانه‌ای ناشی می‌شود که تقاضای بیشتری برای تربیت مترجمان ایجاد می‌کند. اما با بررسی جوانب مختلف آموزش ترجمه متون رسانه‌ای در ایران، این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که به دلیل در نظر نگرفتن ساختار رسانه‌ها و کارکرد این نوع ترجمه، اهداف آموزشی محقق نمی‌شوند. هدف در این جستار این است که با تکیه بر چهارچوب نظریه اسکپوس و همچنین نظریه‌های ترجمه از جمله «ترجمه کارکردی»، «نظریه مطالعات توصیفی ترجمه» و دیگر نظریه‌های غالب بر علم ترجمه، «سرفصل نویسی» درس ترجمه رسانه‌ای در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات آلمانی را در دانشگاه‌های ارائه‌دهنده نیز بررسی کند. این پژوهش توصیفی به بررسی داده‌های سرفصل این درس مصوب وزارت علوم می‌پردازد و برای این منظور تحلیل‌های کیفی ارائه می‌کند. در این تحقیق پس از تحلیل نقاط ضعف و قوت سرفصل درس، راهکارهایی علمی و عملی برای پردازش و انتقال مهارت ترجمه رسانه‌ای به دانشجویان ارائه می‌شود و در این خصوص بر اساس تحلیل علمی، راه‌حلهایی در جهت برطرف کردن نقاط ضعف پیشنهاد می‌شود. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد نیاز به ارائه درس تکمیلی یا حتی ارائه یک دوره تخصصی در ترجمه رسانه‌ها وجود دارد.

اطلاعات مقاله

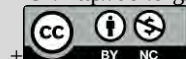
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۳
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

آموزش ترجمه، ترجمه رسانه‌ای، متون مطبوعاتی، مهارت ترجمه رسانه‌ای، سرفصل

دوستی زاده، محمدرضا و ناعمی، فریدون. (۱۴۰۳). بررسی مؤلفه‌های برنامه درسی «ترجمه رسانه‌ای» در رشته زبان و ادبیات آلمانی در مقطع کارشناسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۴ (۴)، ۵۷۹-۵۹۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.377522.1137>.



The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.377522.1137>.

۱. مقدمه

چندین دهه است که گرایش‌های مربوط به «ترجمه» از جمله «ترجمه رسانه‌ای» در بسیاری از دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های عالی ارائه می‌شود. ترجمه از یک زبان به زبانی دیگر می‌تواند مبانی مختلفی داشته باشد از جمله آشنایی زبان‌آموز با زبان و فرهنگ مقصد و کارکردهای روزمره و اجتماعی آن. این امر نیاز زبان‌آموزان را به درک نه تنها خود زبان، بلکه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آن برای دستیابی به ترجمه دقیق و ظریف برجسته می‌کند. در نتیجه، جایگاه برنامه و سرفصل این گرایش‌ها به علت الزام پیاده‌سازی آن‌ها در دروس مختلف بسیار تعیین‌کننده است.

در عصری که رسانه‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کنند، طراحی درسی و سرفصل‌نویسی مستلزم توجه ویژه‌ای به چگونگی و کیفیت آموزش مترجمان در این حوزه است. آموزش علمی ترجمه رسانه‌ای برای اطمینان از اینکه اطلاعات و پیام‌های مرتبط به شیوه‌ای روشن و از نظر فرهنگی و اجتماعی مناسب منتقل می‌شوند، ضروری است. این جنبه به‌ویژه با توجه به نقش حیاتی رسانه‌ها در شکل‌دادن به افکار عمومی و درک رویدادها اهمیت می‌یابد، زیرا ترجمه نادرست یا همراه با سوءتفاهم نه تنها منجر به گسترش اطلاعات نادرست می‌شود، بلکه می‌تواند به‌طور قابل توجهی مخاطبان رسانه‌ای را در درک و تفسیر یک رویداد به اشتباه بیندازد.

این پژوهش به فضای کلی ترجمه رسانه‌ای، پس‌زمینه و رویکردهای مرتبط با محتوای متأثر از آن در ایران می‌پردازد و از تحلیل گفتمان انتقادی برای بررسی محتوای قابل تدریس در کلاس‌های ترجمه مطبوعاتی بهره می‌گیرد. برخی معتقدند که در حوزه ترجمه رسانه، انجام ترجمه‌ای دقیق و مؤثر برای اطمینان یافتن از حفظ پیام مورد نظر و تأثیر متن در ورای مرزهای زبانی، بسیار مهم است (پاوش و کروم، ۲۰۱۶، ص ۱۱۹)، با این حال ترجمه رسانه‌های مکتوب چالش‌های دیگری را ایجاد می‌کند و از این‌رو نیازمند بررسی دقیق عوامل مختلف است.

در همین راستا لازم است چالش‌های آموزش ترجمه به‌طور کلی از طراحی درسی و سرفصل‌نویسی و ارائه آن در دانشگاه‌ها گرفته تا شناسایی کمبودها و ناکارآمدی‌ها و پیشنهاد الگوی آموزشی مناسب برای رفع آن‌ها، مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور در این پژوهش مروری بر جنبه‌های مختلف مربوط به ترجمه رسانه‌ای، در دانشگاه‌های ایران صورت می‌گیرد و طراحی برنامه درسی «ترجمه رسانه‌ای» مورد

تحقیق قرار خواهد گرفت و هدف کلی آن یافتن راه‌حلی برای توانمندسازی دانشجویان جهت کار در حوزه ترجمه مطبوعاتی پس از فارغ‌التحصیلی، از طریق آموزش هدفمند و ویژه به برنامه و سرفصل‌نویسی است. این کار با ارائه برنامه درسی مناسب و روش‌های تدریس معطوف به نیازهای بازار کار و پشتیبانی‌های حرفه‌ای انجام‌پذیر است. از طریق آموزش عملی می‌توان اطمینان حاصل کرد که فارغ‌التحصیلان به‌خوبی قادر هستند در دنیای حرفه‌ای ترجمه مطبوعاتی فعالیت کنند. امید می‌رود این تحقیق بتواند به آمادگی بهتر فارغ‌التحصیلان برای مواجهه با چالش‌های صنعت ترجمه مطبوعاتی مدرن و نیز بهبود چشم‌انداز شغلی آن‌ها کمک کند.

این مقاله همچنین به ارتباط بین آموزش زبان‌های خارجی و آموزش ترجمه می‌پردازد و بر ضرورت اصلاح مهارت‌های مترجمان برای اطمینان از ترجمه با کیفیت بالا تأکید دارد. برای انجام این کار باید به این سؤالات پاسخ داد: «آیا شیوه ارائه فعلی آموزش ترجمه رسانه‌ای می‌تواند پشتوانه‌ای علمی برای تربیت مترجمان در حوزه رسانه باشد؟»، «آیا نظریه‌های موجود در خصوص ارائه ترجمه رسانه‌ای وضع موجود را تأیید می‌کنند؟» و «چگونه می‌توان برای مترجمان حرفه‌ای رسانه در ایران دوره کارآمد ترجمه رسانه ارائه کرد؟». این پژوهش این فرضیه را مطرح می‌کند که دانشگاه‌های ایران در حال حاضر قادر به ارائه مناسب چنین دوره‌ای نیستند و پاسخ درخوری به این سؤالات نمی‌دهند.

آموزش تخصصی در حوزه ترجمه رسانه‌ای یک ضرورت انکارناپذیر است. این آموزش باید مهارت‌های ویژه‌ای را به مترجمان حرفه‌ای رسانه ارائه دهد تا آنها را برای چالش‌های خاص این حوزه آماده سازد. اهمیت این آموزش تخصصی نه تنها توسط تحقیقات پیشین تأیید شده، بلکه تجربیات عملی دانشجویان نیز بر ضرورت آن صحنه می‌گذارد. با توجه به این نیاز مبرم، پژوهش حاضر در تلاش است تا راهکاری علمی و در عین حال کاربردی برای ارتقای آموزش ترجمه رسانه‌ای ارائه دهد. این پیشنهاد، که بر پایه یافته‌های تحقیقاتی استوار است، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی مؤثر در این زمینه عمل کند و هدف نهایی آن پر کردن شکاف موجود بین نیازهای بازار کار و محتوای آموزشی فعلی است، تا از این طریق، مترجمان رسانه‌ای آینده با مهارت‌ها و دانش لازم برای موفقیت در این حرفه پویا و چالش‌برانگیز تجهیز شوند.

۲. پیشینه تحقیق

از اواسط قرن بیستم، موضوع ترجمه حرفه‌ای و آموزش مترجم اهمیت جدی پیدا کرد. این آموزش در سطوح مختلف تحصیلی (کارشناسی و کارشناسی ارشد) و آموزش غیردانشگاهی (مؤسسات آموزش زبان) انجام می‌شود. از این منظر، اهداف در نظر گرفته شده برای آموزش ترجمه نیز متفاوت است (ارزجانی، ۱۳۹۹). به عنوان مثال، گاهی اوقات افراد برای ترجمه متون تخصصی (ادبیات، حقوق، تجارت) آموزش می‌بینند، اما گاهی اوقات آن‌ها فقط برای ترجمه متون عمومی آموزش می‌بینند (گمبیر و دورسler، ۲۰۰۹). برخی از محققان معتقدند که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی باید در تدوین برنامه‌های درسی خود نیازهای بازار را در نظر بگیرند. به عبارت دیگر، کتاب‌های درسی دانشگاه باید به گونه‌ای طراحی شوند که هم به نیازهای بازار و هم به تغییرات فناورانه پاسخ دهند (لی، ۲۰۰۵، صص ۳۷۷-۳۵۹). تاکنون در باره این موضوع در ایران بررسی‌هایی صورت گرفته است و در این راستا، در حوزه آموزش ترجمه و بررسی محتوای برنامه درسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد پژوهش‌هایی انجام شده است.

خزاعی فرید با انتقاد از سرفصل کارشناسی ارشد مترجمی بیان می‌کند که این برنامه نیاز به بازنگری جدی دارد، زیرا باید نیازهای دانشجویان و بازار کار را در نظر گرفت. راه حل پیشنهادی او این است که این کتاب درسی باید با توجه به نیازهای بازار کار داخلی و با استفاده از برنامه‌های درسی سایر کشورها به روز شود (خزاعی فرید، ۱۳۸۰، صص ۶۷-۶۵). میرعمادی ویژگی‌های یک مترجم خوب را برشمرده و برنامه درسی برای مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه کرده که در آن افراد می‌توانند این ویژگی‌ها را به خوبی بیاموزند. به عقیده وی، به دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مترجمی، فناوری ترجمه به خوبی آموزش داده نمی‌شود و بیشتر از «فرایند ترجمه» «زبان» یاد می‌گیرند. این مشکل باعث شده است که دانشگاه‌ها نتوانند مترجم خوب و ارزشمندی را برای جامعه و بازار کار فراهم کنند (میرعمادی، ۲۰۰۳).

رزمجو در تلاشی بیشتر برای ارائه راه حل‌های عملی، از ثبات برنامه‌های درسی دانشگاه در طول سالیان متمادی انتقاد می‌کند. ایشان در مصاحبه با سی نفر از فارغ‌التحصیلان رشته زبان و مترجمی زبان، راهکارهایی را ارائه کرده‌اند. حیدریان در پژوهشی دیگر به تحلیل برخی از مشکلات دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان پرداخته و به کاستی‌هایی از جمله ناهماهنگی نام و عنوان برخی دروس، ذهنی بودن برخی منابع،

تمایل به حفظ مطالب و قدمت آن اشاره کرده است (رزمجو، ۱۳۸۰، صص ۴۷-۴۰).

میرزا ابراهیم تهرانی نیز به برخی کاستی‌های آموزش ترجمه در ایران اشاره کرده است که از جمله می‌توان به همگام‌سازی دروس زبان با درس ترجمه، وجود درس ترجمه از فارسی به زبان‌های خارجی، عدم تخصص اساتید ترجمه، عدم قطعیت در مورد موضوعات درسی و مشکلات تصادفی ظاهر شده در متن، انتخاب متون مطابق سلیقه، دست کم گرفتن نقش زبان فارسی در ترجمه، ناهماهنگی بین روش‌های ترجمه تجویز شده توسط اساتید و عدم ارتباط مترجمان حرفه‌ای و مدرسین اشاره کرد (تهرانی، ۲۰۰۳، صص ۹۴-۸۹).

از سوی دیگر، ضیا حسینی تأکید می‌کند که در طراحی کتاب‌های درسی و برنامه‌های درسی، باید به سطح مهارت‌های زبانی مترجم توجه شود و به همین منظور، مواردی را برای آموزش مترجمان برشمرده است. به گفته وی، مشکلاتی که در برنامه درسی آموزش ترجمه به چشم می‌خورد، از یک سو در گزینش و از سوی دیگر در تربیت دانشجویان است. وی تأکید می‌کند که دانشجویان مترجمی قبل از ورود به دانشگاه باید دانش کافی از زبان مورد نظر را داشته باشند. علاوه بر این، برنامه آموزش مترجم باید شامل آموزش زبان اضافی و آموزش فنون ترجمه باشد (حسینی، ۱۳۸۲، صص ۸۸-۸۳).

برخی دیگر از محققان نیز از برنامه‌های درسی قدیمی انتقاد کرده‌اند. خوش سلیقه قدیمی بودن برنامه‌ها را که سال‌هاست ادامه دارد، مشکلی اساسی می‌داند و می‌گوید این امر باعث شده تربیت مترجم در ایران ناموفق باشد. وی همچنین با برخی از اساتید دوره‌های کارشناسی رشته مترجمی مصاحبه‌هایی انجام داده و اطلاعات به دست آمده را با استفاده از «نظریه بنیادی» تحلیل کرده است (خوش سلیقه، ۲۰۱۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود، عدم تطابق آموزش مترجمان زبان با نیازهای بازار کار یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران حوزه ترجمه دانشگاهی است. با توجه به نتایج این پژوهش‌ها، یکی از مبرم‌ترین نیازهای دنیای امروز که بی‌شک دنیای رسانه، اخبار و اطلاعات است، تربیت مترجمانی است که پاسخگوی نیازهای بازار رسانه و به عبارتی مترجمان رسانه‌ای باشند. در پژوهش حاضر، بررسی دقیق سرفصل‌های آموزشی موجود در حوزه ترجمه رسانه‌ای نشان می‌دهد که اهمیت ترجمه‌های دقیق و باکیفیت در انتقال صحیح پیام و حفظ تأثیر متن اصلی به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است. این نقص به ویژه در عدم پرداختن کافی به نظریه‌های کلیدی مانند

«ترجمه ایزاری»، «اسکوپوس» و «مطالعات توصیفی ترجمه» آشکار است (حیدریان، ۲۰۰۱، صص ۸۲-۷۵).

بی‌توجهی به این مفاهیم بنیادین می‌تواند تأثیرات منفی چشمگیری بر کیفیت آموزش و تربیت مترجمان رسانه‌ای داشته باشد. از جمله این تأثیرات می‌توان به عدم آشنایی کافی دانشجویان با چالش‌های خاص ترجمه رسانه‌ای، ناتوانی در درک و انتقال صحیح زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متون و فقدان مهارت در استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین ترجمه اشاره کرد. بنابراین، برای ارتقای کیفیت آموزش ترجمه رسانه‌ای و تربیت مترجمانی توانمند و آگاه به نیازهای بازار کار، بازنگری اساسی در سرفصل‌های آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر است.

۳. روش تحقیق

روش این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است و ابزار آن برگرفته از داده‌های سرفصل این درس مصوب وزارت علوم است که برای این منظور تحلیل‌های کیفی ارائه شده است. در این تحقیق، پس از تحلیل نقاط ضعف سرفصل درس، به راهکارهایی علمی و عملی برای انتقال مهارت ترجمه رسانه‌ای به دانشجویان پرداخته می‌شود.

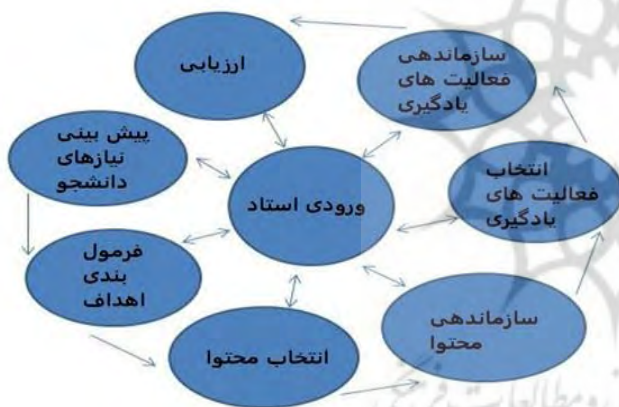
۴. چهارچوب نظری

برای یافتن پاسخ سؤالات تحقیق از جمله اینکه «آیا شیوه ارائه فعلی آموزش ترجمه رسانه‌ای، پشته‌ای علمی برای تربیت مترجمان حرفه‌ای هست یا خیر، نظرات برجسته‌ای که در ارتباط با اهداف طراحی درسی مطرح شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. رالف تایلر که در توسعه و تکامل برنامه درسی مشارکت داشت و تأثیر او بر آموزش بیشتر بر اساس اثر نوآورانه‌اش «اصول اولیه برنامه درسی و آموزش» بود (تایلر، ۱۹۴۹)، در کتاب خود چهار سؤال را طرح می‌کند و بر این باور است که این موارد باید در طراحی برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد: ۱- اهداف (چه چیزی) - دانشجویان باید چه چیزی یاد بگیرند؟ ۲- ساختار (چگونه) - چگونه باید اهداف یادگیری سازمان‌دهی شوند؟ ۳- روش (چگونه) - چگونه می‌توان اهداف یادگیری را به طور مؤثر انتقال داد؟ ۴- ارزیابی (چگونه) - چگونه می‌توان بررسی کرد که اهداف یادگیری به دست آمده است؟ این چهار سؤال رهنمودهایی برای اساتید و مؤسسات آموزشی است تا یک برنامه درسی ساختارمند، هدفمند و مؤثر طراحی کنند. ایده‌های وی تأثیر قابل‌توجهی بر توسعه شیوه‌ها

داشته و همچنان برای طراحی محتوای آموزشی معتبر است (بوتاه و دیگران، ۲۰۱۹، صص ۲۲-۱۴).

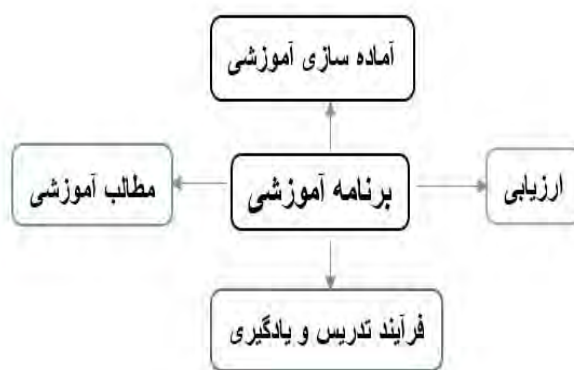
در همین راستا، هیلدا تابا به عنوان یک نظریه‌پرداز و اصلاحگر برنامه درسی و یک معلم، مفهوم طراحی محتوای چرخه‌ای را مطرح می‌کند. رویکرد آموزشی او (رویکرد چشم‌اندازی) با تأکید بر ارزیابی مداوم و تطبیق برنامه درسی، از دیگر رویکردها متمایز می‌شود. تابا به مشارکت فعال اساتید و دانشجویان در فرآیند توسعه و تکامل برنامه درسی اهمیتی ویژه می‌دهد. مفهوم طراحی محتوای چرخه‌ای تابا بر پویایی و مداوم بودن فرآیند آموزشی تأکید دارد. او به جای مشاهده برنامه درسی به عنوان یک ساختار ثابت، رویکردی چرخه‌ای را ترویج می‌کند که بازتاب، بررسی و تطبیق منظم برنامه درسی را ممکن می‌سازد. این رویکرد همچنین امکان بهبود مداوم و تطبیق برنامه درسی با نیازهای متغیر اساتید و دانشجویان را فراهم می‌کند (همان منبع).

نمودار ۱: الگوی تدوین برنامه درسی تابا



یکی از عناصر مرکزی دیدگاه تابا، مشارکت فعال اساتید و دانشجویان در طراحی محتوا است. او بر اهمیت ادغام تخصص اساتید و دیدگاه‌های دانشجویان در فرآیند توسعه و تکامل برنامه درسی تأکید دارد. به اعتقاد او این همکاری منجر به بهتر در نظر گرفتن نیازهای خاص دانشجویان می‌شود و قابلیت پذیرش و اجرایی بودن برنامه درسی را به شکل عملی در دانشگاه تضمین می‌کند. سیمرمن دیگر نظریه‌پرداز است که بر طراحی برنامه درسی تمرکز کرده است. به باور او برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که فرآیند تدریس و یادگیری در آن به طور سازمان‌یافته اجرا شود. از نظر سیمرمن، برنامه درسی باید بر اساس مؤلفه‌های زیر طراحی شود:

¹ https://www.researchgate.net/figure/Tabas-model-of-Curriculum-Development_fig3_349835298



زمینه فرهنگی: در ترجمه رسانه‌های نوشتاری، مهم است که محتوای فرهنگی هر دو زبان مبدأ و مقصد را در نظر بگیریم. هر فرهنگی ارزش‌ها، اصول و اصطلاحات زبانی خاص خود را دارد که به‌طور قابل توجهی بر معنا و دریافت متن تأثیرگذار است.

سبک و لحن: رسانه‌های نوشتاری اغلب سبک و لحن خاصی دارند که نیت نویسنده و هدف مطلوب را بازتاب می‌دهند. ترجمه‌کنندگان باید این سبک را به دقت در زبان مقصد درک و بازنمایی کنند و در عین حال اطمینان حاصل کنند که این سبک توجه مخاطبان مقصد را به خود جلب می‌کند.

اصطلاحات و واژگان عامیانه: اصطلاحات و زبان عامیانه چالشی بزرگ در ترجمه رسانه‌های نوشتاری محسوب می‌شوند. این اصطلاحات به‌طور عمیق در زبان مبدأ ریشه دارند و ممکن است در زبان مقصد معادل مستقیم نداشته باشند.

واژگان فنی: رسانه‌های نوشتاری اغلب حاوی واژگان فنی هستند، به‌ویژه در زمینه علوم مختلف مانند سیاست، اقتصاد، حقوق و پزشکی. برای انتقال مفاهیم پیچیده به‌صورت دقیق و حفظ اصالت متن، ترجمه‌کنندگان باید در زمینه تخصصی مربوطه و واژگان مرتبط به آن تسلط داشته باشند.

بومی‌سازی: بومی‌سازی به معنای تطبیق یک متن با سلیقه‌ها و زبانی‌های فرهنگی مخاطب است. این کار در واقع تنها ترجمه متن نیست، بلکه تطبیق آن با سنت‌ها، معیارها، ارزش‌ها و سایر عوامل مرتبط است تا اطمینان حاصل شود که متن ترجمه شده برای مخاطبان به شکلی طبیعی و مرتبط به نظر می‌رسد.

ملاحظات قانونی و اخلاقی: ترجمه رسانه‌های نوشتاری اغلب شامل مسائل قانونی و اخلاقی است. ترجمه‌کنندگان باید اطمینان حاصل کنند که قوانین حقوق مؤلفان را رعایت کرده و حقوق مالکیت فکری نویسنده اصلی را رعایت می‌کنند. علاوه بر این، ممکن است ترجمه‌کنندگان با محتوای حساس یا مورد اختلاف روبرو شوند که نیازمند برخورد دقیق هستند تا از ارائه ترجمه نادرست یا توهین‌آمیز از متن جلوگیری شود (کاتان، ۲۰۱۲).

پیش از ارزیابی میزان انطباق سرفصل ترجمه رسانه‌ای کنونی در دانشگاه‌های ایران با معیارهای نظری موجود، ضروری است چهارچوب نظری مناسبی برای این پژوهش تبیین شود. در این راستا، معرفی و تشریح چند نظریه کلیدی و

وی معتقد است روش‌های تدریس و یادگیری باید به‌طور طبیعی و درست در برنامه درسی گنجانده و به شکل منظم در عمل پیاده‌سازی شوند. مطالبی که قرار است به دانش‌آموزان یا دانشجویان آموزش داده شود باید به‌طور دقیق و واضح مشخص شوند. به بیان دیگر هدف‌ها و محتوای آموزشی باید به‌طور شفاف تعریف شده و به‌طور کامل مشخص باشد. همچنین مطالب آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که قابل آماده‌سازی و پیاده‌سازی در کلاس درس باشند. در واقع مطالب باید به‌طور عملی قابل استفاده باشند و معلمان بتوانند آن‌ها را به راحتی در فرآیند تدریس به کار برند (سیمرن، ۲۰۰۷، ص ۱۳۷).

در همین حال جان دیوی، یکی از برجسته‌ترین نمایندگان علم آموزش، یک رویکرد عمل‌گرایانه را در زمینه طراحی محتوا ترویج می‌کند. او بر اهمیت ارتباط اساسی بین یادگیری و تجربیات واقعی و همچنین ایجاد فرصت‌هایی برای دانشجویان به‌وسیله فعالیت‌های عملی یادگیری تأکید دارد. رویکرد آموزشی دیوی بر یادگیری از طریق تجربه، با محوریتی پویا و یکپارچه تمرکز دارد. تأکید دیوی بر یادگیری از طریق تجربه، از مرز روش‌های سنتی آموزش فراتر رفته و به این صورت تعریف می‌شود که به دنبال فراهم کردن فرصتی برای دانشجویان به‌منظور کسب دانش عمیق از طریق تجربیات عملی است. از سوی دیگر ترجمه رسانه‌ای نوشتاری چالش‌های خاصی را به همراه دارد و نیازمند در نظر گرفتن متغیرهای مختلف است. در اینجا جزئیات این متغیرها که کلوستر مورد بررسی قرار داده بررسی و به برخی از آنها که منطبق با ترجمه رسانه‌ای است، اشاره می‌شود (کلوستر، ۲۰۲۱، صص ۱۳۸-۱۳۶):

^۱ Zimmermann, G. (2007): Das sprachliche Curriculum, S. ۱۳۷

کاربردی در حوزه ترجمه رسانه‌ای می‌تواند به روشن‌سازی اهداف تحقیق و گسترش دامنه بررسی کمک شایانی کند. این نظریه‌ها نه تنها مبنایی برای تحلیل وضعیت فعلی ترجمه‌های رسانه‌ای فراهم می‌کنند، بلکه همان‌طور که بسادی معتقد است، چشم‌اندازی برای بهبود و ارتقای کیفیت این نوع ترجمه‌ها نیز ارائه می‌دهند (بسادی، ۲۰۲۳). در ادامه، به معرفی و تشریح این نظریه‌های کلیدی خواهیم پرداخت و نحوه ارتباط آنها با اهداف پژوهش را بررسی خواهیم کرد. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا با دیدگاهی جامع و علمی به ارزیابی وضعیت ترجمه‌های رسانه‌ای بپردازیم و پیشنهادهایی کاربردی برای بهبود این حوزه ارائه دهیم.

نخستین آن‌ها «نظریه انواع متون» است. این نظریه بیان می‌کند که هر متن به گونه‌ها یا انواع خاصی از متون تعلق دارد که ویژگی‌ها و قراردادهای زبانی خاصی دارند. آگاهی از این ویژگی‌ها برای ترجمه موفق بسیار مهم است (کارولی، ۲۰۱۲). این نظریه به انواع مختلف متن و ویژگی‌ها و الزامات خاص آن‌ها می‌پردازد و می‌تواند به شناخت و در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص مقالات مطبوعاتی کمک کند (سؤالز، ۱۹۹۰). به عنوان بخشی از طبقه‌بندی انواع متن، متون رسانه‌ای به عنوان متن‌های حاوی پیام طبقه‌بندی می‌شوند. این متون که در درجه اول در خدمت انتقال اطلاعات، دانش، نظرات و حقایق هستند، متون علمی و غیرعلمی را شامل می‌شوند. متون غیرعلمی، مانند مطالبی که در روزنامه‌ها یافت می‌شوند، می‌توانند حاوی اخبار، نظرات، مقالات، مصاحبه و گزارش باشند (کاوتز، ۲۰۰۲، ص ۷۶-۷۹).

«نظریه ترجمه کارکردی» دیگر نظریه‌ای است که می‌تواند در آموزش ترجمه متون مطبوعاتی مورد استفاده قرار گیرد. این نظریه به جای اینکه به طور انحصاری بر روی متن مبدأ تمرکز کند، بر اهمیت و کارکرد متن هدف تأکید دارد. بر این اساس مترجم باید قصد متن مبدأ را درک کرده و سپس آن را به زبان مقصد منتقل کند. در واقع ترجمه کارکردی بر تأثیر معادل‌یابی کارکردی بین متن مبدأ و ترجمه و اینکه ترجمه باید همان هدف متن مبدأ را برآورده سازد، حتی اگر این امر تفاوت‌های زبانی را به همراه داشته باشد، تأکید دارد. نظریه ترجمه کاربردی می‌تواند همچنین به درک اهمیت تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌ها کمک کند. یک متن ممکن است در زمینه‌های فرهنگی مختلف دارای عملکردهای متفاوتی باشد و

یک مترجم خوب مطبوعاتی باید توانایی تشخیص این تفاوت‌ها و در نظر گرفتن آن‌ها در ترجمه را داشته باشد.

همچنین «نظریه اسکوپوس»، به عنوان یک نظریه عمومی ترجمه مطرح است که توسط هانس ورمیر و کاتارینا رایس توسعه یافته و بر تأثیر عمل ترجمه و مترجم به عنوان متخصص در ارتباط بین فرهنگی تأکید دارد. این تئوری تأکید می‌کند که ترجمه‌ها برای هدف و مخاطب خاصی ایجاد می‌شوند. طبق این نظریه، وظیفه اصلی مترجم تحقق هدف مورد نظر از ترجمه است. این نظریه بر انطباق انعطاف‌پذیر ترجمه با الزامات ارتباطی زبان مقصد تأکید دارد و زمینه اجتماعی-فرهنگی، نقش مترجم و کارکرد متن مقصد را عناصر اصلی در فرآیند ترجمه می‌داند (ورمیر، ۲۰۱۴). کارکرد یک متن شامل واکنش‌های مخاطب، کنش‌ها، احساسات، گسترش دانش و جنبه‌های دیگر است که همگی باید در متن مقصد جایگاه منحصر به فردی داشته باشند. در اینجا مرجع و متن مقصد مهم‌ترین اجزای فرآیند ترجمه هستند. در نهایت «متن مقصد نتیجه بازنویسی متن مبدأ در زبان مقصد است» (ر.ک کاوتس، ۲۰۰۲، ص ۵۳).

در نهایت «نظریه مطالعات توصیفی ترجمه» (DTS)^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه فرآیندها و تصمیمات ترجمه را تجزیه و تحلیل کرده و توضیح می‌دهد چگونه این کار می‌تواند به تحلیل فرآیندها و تصمیمات مترجم در ترجمه مطبوعات کمک کند. به بیان دیگر، مطالعات توصیفی ترجمه بر توصیف و تجزیه و تحلیل عملکردهای ترجمه از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی تمرکز دارد و هدفش این است که اثرات ترجمه بر جامعه و نقش مترجمان را به عنوان میانجیگران فرهنگی درک کند. این نظریه بر اهمیت زمینه، روابط قدرت و تأثیر استانداردهای فرهنگی بر تصمیمات ترجمه تأکید دارد. می‌توان بیان کرد که DTS به تحلیل تجربی ترجمه‌ها می‌پردازد و آن‌ها را بخشی از زمینه فرهنگی و زبانی می‌داند. این تئوری پدیده‌ها و فرآیندهای ترجمه را بر اساس مشاهدات موجود بررسی می‌کند و آن‌ها را بدون قضاوت هنجاری توصیف می‌کند. این رویکرد، درک و تجزیه و تحلیل ترجمه‌ها را بدون داشتن تصورات قبلی درباره ترجمه‌های «درست» یا «نادرست» ممکن می‌سازد (مقدم چرکاری جیران، ص ۳۵۹). به منظور بررسی دقیق‌تر روش‌های آموزش ترجمه مطبوعاتی، در این پژوهش تلاش شده تا ترکیبی کارآمد از نظریه‌های مورد اشاره شکل گیرد. با ادغام نظریه انواع متن،

¹ Descriptive Translation Studies

نظریه ترجمه کاربردی، نظریه اسکوپوس و مطالعات توصیفی ترجمه، می‌توان رویکردی جامع برای ترجمه و درک متون ارائه داد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که این چهار نظریه می‌توانند با هم ترکیب شوند و روشی برای ترجمه مطبوعاتی به دست دهند که شامل جنبه‌های زیر باشد: ۱. تحلیل مقالات مطبوعاتی و انواع متنی آن‌ها، ۲. شناخت هدف و عملکرد متن مقصد، ۳. شناخت هدف (اسکوپوس) متن مقصد و ۴. تحلیل فرآیندهای ترجمه.

این روش چالش‌های ترجمه مطبوعاتی را مانند تطبیق با زمینه‌های فرهنگی و زبانی، در نظر گرفتن انواع متنی، و تحلیل فرآیندها و تصمیمات ترجمه مد نظر قرار می‌دهد و به شناسایی و مقابله با چالش‌های ترجمه مطبوعاتی کمک می‌کند. همچنین با ایجاد پلی میان نظریه و عمل، مترجمان را قادر می‌سازد تا محصولی ارائه دهند که ضمن حفظ اصالت پیام اصلی، با بافت فرهنگی و زبانی مخاطب هدف همخوانی داشته باشد و بتواند ارتباط مؤثر با خواننده برقرار کرده و تأثیر مطلوبی ایجاد کند.

۵. یافته‌های پژوهش

طراحی برنامه درسی در زمینه ترجمه به توسعه و تکامل برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی برای برنامه‌های ترجمه در دانشگاه‌ها یا سایر مؤسسات آموزشی اشاره دارد. این طراحی شامل انتخاب و سازماندهی درس‌ها، تعیین اهداف یادگیری، انتخاب روش‌های آموزش و یکپارچگی روش‌های ارزیابی می‌شود.

در طراحی درسی تحصیلات ترجمه در ایران، باید جنبه‌های خاصی از تئوری‌های ترجمه، توانمندی‌های زبانی، درک مباحث میان‌فرهنگی و تمرینات عملی ترجمه در نظر گرفته شود تا ضمن دادن شناختی جامع به دانشجویان، مهارت‌های مورد نیاز را نیز انتقال دهد. این طراحی همچنین باید شامل آشنایی با جدیدترین فناوری‌های مرتبط با ترجمه و ملاحظه نیازهای بازار کار برای مترجمان باشد.

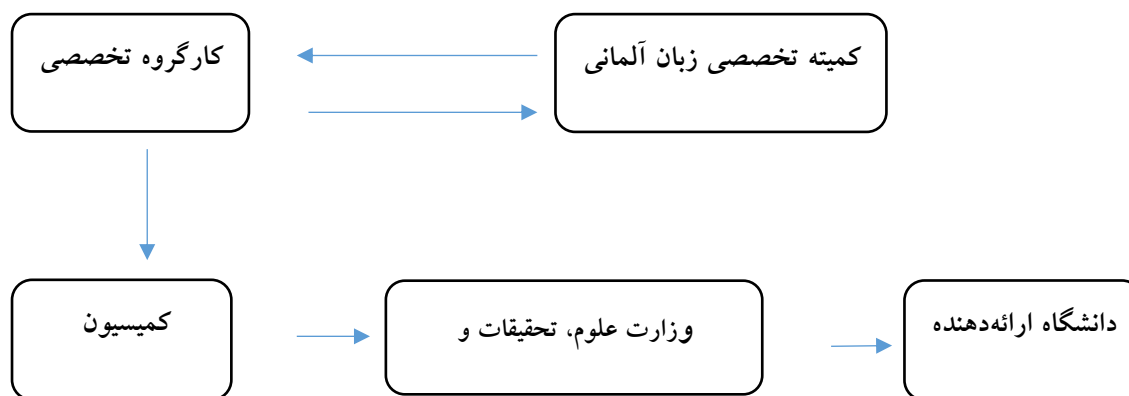
با این حال برخی از دانشگاه‌ها بیشتر بر تئوری‌های علم ترجمه تمرکز دارند و در بُعدهای فلسفی و فرهنگی ترجمه عمیق می‌شوند، درحالی‌که برخی دیگر بیشتر بر مهارت‌های عملی و توسعه حرفه‌ای تمرکز می‌کنند. بسته به دانشگاه و برنامه تحصیلی، دانشجویان ممکن است امکان تخصص در دو زبان خاص را داشته باشند، مانند آلمانی-فارسی، انگلیسی-فارسی، عربی-فارسی یا ترکیب‌های دیگر، که هر دانشگاه براساس توانایی زبانی اعضای هیئت علمی خود و نیازهای

ترجمه‌ای شناسایی کرده است. به همین ترتیب این نیازسنجی می‌تواند از دانشگاهی به دانشگاه دیگر به‌شدت متغیر باشد و همین امر بر تخصص‌های موجود برای دانشجویان تأثیر بگذارد. در برنامه‌ای ممکن است اسامی مشهوری برای ترجمه ادبی وجود داشته باشند، درحالی‌که در برنامه‌ای دیگر احتمالاً بر ترجمه‌های فنی یا علمی تمرکز شود.

با توجه به اینکه زبان‌ها بر درک از هر فرهنگی تأثیر مستقیم دارند، رشته «زبان و ادبیات آلمانی» در سطح پایه در حوزه‌های پایه‌ای و تخصصی ارائه می‌شود. در این رشته تمام دروس به زبان آلمانی برگزار می‌شوند، اما برخی از آن‌ها نیاز به آشنایی عمیق با زبان فارسی دارند. هدف این دوره آموزشی، آموزش متخصصان زبان و ادبیات آلمانی برای پرداختن به مسائل ادبی، آموزشی و ترجمه متون است. به عبارت دیگر، هدف این دوره آموزشی تربیت نیروهایی است که علاوه بر کسب چهار مهارت زبانی، دارای دانش‌های علمی لازم در زمینه اصول نظری و روش‌های علمی برای مقابله با مسائل ادبی و فرهنگی باشند.

در دانشگاه‌های ایران دیدگاه «آموزش ترجمه» نیز حضور چشمگیری در آموزش زبان آلمانی به خصوص در چهارچوب واحدهای درسی ترجمه دارد. هدف این واحدها انتقال مهارت‌ها و دانش در حوزه ترجمه و نیز توسعه توانایی زبانی و درک بین‌فرهنگی است. با توجه به ملاحظات مطرح‌شده، پرداختن به رویکرد بین‌فرهنگی در آموزش مترجمان مطبوعاتی، از جمله این باور که رویکرد میان‌فرهنگی می‌تواند به مراتب افراد را به زندگی اجتماعی و تفاهم بیشتر دعوت کند، ضرورت می‌یابد (محرم‌زاده، شویری، حیاتی آشتیانی، ص ۱۶۶). همچنین، رویکرد «آموزش زبان آلمانی» که با روش‌های تدریس زبان‌های خارجی همراه است، نقش مهمی در آموزش دانشگاهی ایران ایفا می‌کند. بنابراین ساختار مطالعات ترجمه در ایران بسته به دانشگاه و برنامه درسی آن متفاوت بوده و شامل طیف گسترده‌ای از رویکردها به اصول نظری، کاربردهای عملی و مشارکت در صنعت می‌شود. از این منظر طراحی و برنامه‌نویسی برنامه‌های درسی هر دانشگاه، در کارگروه‌های تخصصی که زیرمجموعه وزارت علوم و شورای تحول علوم انسانی هستند شکل گرفته و هر پنج سال یک بار مورد بازنگری قرار می‌گیرد. نمودار زیر ارتباط این تشکلهای را بهتر نشان می‌دهد.

نمودار ۳: ساز و کار طراحی و برنامه‌نویسی درسی



در کارگروه تخصصی زبان‌های خارجی، برنامه بازنگری‌شده به شورای تحول علوم انسانی ارائه می‌شود تا بعد از تصویب به وزارت علوم و دانشگاه‌ها ابلاغ گردد. با این حال طراحی برنامه درسی یک فرآیند پیچیده و چندجانبه است که عناصر مختلفی از جمله فلسفه‌های آموزشی، نظریه‌های یادگیری و اهداف آموزشی را با یکدیگر یکپارچه می‌کند. این فرآیند بر یک چهارچوب مؤثر تمرکز دارد که به دانشجویان امکان می‌دهد مهارت‌ها و دانش‌های معناداری را که با نیازهای جامعه و بازار کار همخوانی دارند، فراگیرند. بر اساس سرفصل رشته زبان و ادبیات آلمانی وزارت علوم در مقطع کارشناسی، درس ترجمه متون رسانه‌ای این چنین طرح‌ریزی شده است:

این کارگروه‌ها و کمیته‌های تخصصی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند که در زمینه طراحی و برنامه‌نویسی دارای تجارب و حتی نظریه‌های کارشناسی هستند. به طور مثال اگر قرار باشد برنامه و سرفصل رشته زبان و ادبیات آلمانی مورد بازنگری قرار گیرد، کمیته‌ای از اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی ارائه‌دهنده این رشته در دانشگاه‌های مختلف از طرف کارگروه تخصصی زبان‌های خارجی که خود نیز زیرمجموعه کمیسیون برنامه‌های درسی شورای تحول علوم انسانی است، تعیین می‌شود و بازنگری رشته به آن محول می‌گردد. در خصوص زبان آلمانی، کمیته تخصصی مذکور این بازنگری را بر اساس مؤلفه‌های «روزآمدی»، «کارآمدی» و «بومی‌سازی» انجام می‌دهد در کارگروه تخصصی زبان‌های خارجی مورد ارزیابی قرار گیرد. بازنگری ممکن است بین کارگروه تخصصی زبان‌های خارجی و کمیته تخصصی زبان آلمانی تا رسیدن به شکل مطلوب چندین بار رد و بدل شود. سرانجام پس از تصویب برنامه درسی

دروس پیش نیاز: مقدمات ترجمه	نظری	پایه	نوع واحد	تعداد واحد: ۲ تعداد ساعت: ۳۲	عنوان درس به فارسی: ترجمه متون رسانه‌ای عنوان درس به انگلیسی: Translation of Media Texts عنوان درس به آلمانی: Übersetzen der Medientexte
	عملی				
	نظری	اصلی			
	عملی				
	نظری *	تخصصی			
	عملی				
	نظری	اختیاری			
	عملی				
آموزش تکمیلی عملی: ندارد					
سفر علمی کارگاه سمینار آزمایشگاه					

اهداف:

- ۷- ترجمه تفسیر ادبی، سیاسی و اجتماعی در رسانه‌های مختلف
- ۸- ترجمه نقد ادبی، سیاسی و اجتماعی در رسانه‌های مختلف
- ۹- بررسی تفاوت‌های ساختاری متون مطبوعاتی
- ۱۰- بررسی و تحلیل مطبوعات آلمان و ایران
- ۱۱- بررسی و تحلیل روزنامه‌ها و مجلات ایران و آلمان
- ۱۲- نگارش یک تحقیق علمی در مورد یکی از مباحث درس
- ۱۳- سایر موارد تکمیلی با نظر استاد

- ۱- آشنایی با متون رسانه‌ای و مطبوعاتی
- ۲- آشنایی با ترجمه متون رسانه‌ای و مطبوعاتی از آلمانی به فارسی و بالعکس
- سرفصل درس:
- ۱- بررسی ساختار متون مطبوعاتی
- ۲- تفاوت ترجمه متون مطبوعاتی و دیگر متون
- ۳- بررسی و تحلیل مطبوعات آلمان و ایران
- ۴- بررسی و تحلیل روزنامه‌ها و مجلات آلمان و ایران
- ۵- ترجمه انواع متون مطبوعاتی چند رسانه‌ای
- ۶- ترجمه گزارش ادبی، سیاسی و اجتماعی

ارزشیابی مستمر	میان ترم	آزمون‌های نهایی		تجهیزات مورد نیاز
		نوشتاری	عملکردی/پروژه	
۲۵ درصد		۵۰ درصد	۲۵ درصد	

برخوردار است تا اطمینان حاصل شود که پیام و تأثیر مطلوب یک متن در ازای این ترجمه‌ها حفظ می‌شود. در عین حال برنامه طراحی شده یک اصل اساسی را در نظر نگرفته است؛ در این برنامه تعریف، انواع و درک علمی از عبارت «رسانه» چه در معنای عام آن (روش یا ابزار فنی یا مادی تغییر شکل پیام به علامت‌هایی دلالت دارد که مناسب انتقال از یک مجرای معین است) چه در معنای محدودتر آن (واسطه مادی انتقال علایم) برداشت نمی‌شود. از آنجاکه تولید پیام واکنشی به نیاز مخاطب است، تنوع مخاطبان انسانی و نیازهای متفاوت آنان، استفاده‌های متفاوتی از رسانه‌ها و اطلاعات رسانه‌ای را ایجاد می‌کند. حتی بر انواع رسانه از جمله رسانه‌های خرد (مانند ویدئو و تلفن همراه)، رسانه‌های کلان (مانند روزنامه، تلویزیون و اینترنت)، رسانه‌های خصوصی، دولتی و عمومی و رسانه‌های پخش و رسانه‌های چاپی اشاره‌ای نشده است. همچنین ذکر ترجمه انواع متون مانند «ادبی»، «سیاسی»، «اجتماعی» در این سرفصل تکراری و غیرضروری است، چرا که این متون در برنامه و سرفصل دیگر دروس این رشته، مثل ترجمه متون ادبی و غیره ارائه می‌شود و نام بردن از این متون در سرفصل درس ترجمه متون رسانه‌ای ضرورتی ندارد. حتی در صورتی که منظور، مواجهه با این نوع متون در مطبوعات باشد نیاز به ذکر آن در سرفصل نیست چرا که فلسفه مطبوعات پرداختن به این مباحث است.

بررسی این سرفصل نشان می‌دهد برای این برنامه دو هدف مشخص شده که تأییدی بر این نکته است که قصد ارائه این درس آشنایی با متون رسانه‌ای است و نه تعمیق بر این نوع متون. بنابراین این درس می‌تواند فقط مقدمه‌ای بر ترجمه متون رسانه‌ای باشد. در اولین بند سرفصل درس بررسی ساختار متون مطبوعاتی و رسانه‌ای آمده است. هر چند برخی بر این باورند که آگاهی از ساختار متن به تجسم انگاره‌های متن در ذهن مترجم و سازماندهی آن کمک می‌کند و بر این اساس توصیه می‌کنند که مدرسان در حین تدریس به معرفی ساختارهای مختلف بپردازند (قاسمی‌نژاد، حیدری، ص ۵۷۳) اما گنجاندن این بند در ابتدای سرفصل، منجر به کلی‌گویی می‌شود. همچنین از آنجاکه ساختار بر اساس نوع رسانه متفاوت است، ذکر این ساختارها می‌تواند حداقل چهار جلسه کلاسی را در بر بگیرد. از این‌رو در این خصوص باید به ویژگی‌های این گونه متون دقت شود. همان‌طور که در بالا ذکر شد «نظریه ترجمه ابزاری»، «نظریه اسکپوس» و همچنین «نظریه مطالعات توصیفی ترجمه»، ترجمه‌های رسانه‌ای نقش حیاتی در پل‌سازی بین فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف دارند، نقشی که در این سرفصل کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نشده است. از این‌رو باید تأکید شود که در حوزه رسانه‌ها، ترجمه دقیق از اهمیت چشمگیری

در ارزیابی میزان انطباق سرفصل کنونی ترجمه رسانه‌ای در دانشگاه‌های ایران با معیارهای نظری اشاره شده در این پژوهش، کاستی‌های بی‌شماری مشاهده می‌شود. در خصوص سؤالات چهارگانه تایلر این برنامه درسی به‌خوبی به این پرسش‌ها پاسخ نمی‌دهد. به عبارت دیگر، این برنامه توانایی ارائه رهنمودهای مشخص و کاربردی برای اساتید و مؤسسات آموزشی جهت طراحی یک برنامه درسی منسجم و هدفمند را ندارد و به عنوان مثال در تعیین اهداف آموزشی مبهم بوده و در ارائه تعریف درست از تجربیات آموزشی مناسب و مرتبط با این اهداف ناتوان است. همچنین، روش‌های سازمان‌دهی و ارزیابی در این برنامه به اندازه کافی مشخص و کاربردی نیست (ر.ک. هلیگ ۲۰۰۱، ۸۳۴-۸۳۰).

این برنامه همچنین در شکل‌دهی طراحی محتوا که جان دیوی به عنوان یک رویکرد عمل‌گرایانه در زمینه طراحی محتوا مطرح می‌کند و بر اهمیت ارتباط اساسی بین یادگیری و تجربیات واقعی و همچنین ایجاد فرصت‌هایی برای دانشجویان به وسیله فعالیت‌های عملی یادگیری تأکید دارد، کمتر نکته‌ای برای ارائه دارد. از دیگر ضعف‌های این برنامه از دیدگاه جان دیوی می‌توان به این موارد اشاره کرد: برنامه درسی مذکور فاقد پروژه‌های کاربردی، کارآموزی‌ها، یا تمرین‌های عملی برای مواجهه دانشجویان با چالش‌های واقعی حوزه ترجمه رسانه‌ای است، فاقد فرصت‌هایی برای تعامل دانشجویان با مترجمان حرفه‌ای و متخصصان رسانه برای درک بهتر واقعیت‌های این حرفه است، فاقد تمرین‌هایی است که شرایط واقعی کار، مانند فشار زمانی یا کار تیمی را شبیه‌سازی کند و در نهایت قادر نیست ارتباط بین ترجمه رسانه‌ای و تأثیرات آن بر جامعه و فرهنگ را به خوبی نشان دهد.

در ارتباط با نظریه هیلدا تابا که بر اهمیت درگیر کردن اساتید و دانشجویان در فرآیند توسعه و تکامل برنامه درسی تأکید می‌کند، این برنامه فاقد ساختار مشخصی برای ارزیابی منظم و سازمان یافته شامل عدم وجود شاخص‌های ارزیابی مشخص، فقدان جدول زمانی برای بررسی‌های دوره‌ای، یا عدم تخصیص منابع کافی برای انجام ارزیابی‌های جامع است. برنامه کنونی همچنین فرصت‌های کافی برای مشارکت معنادار اساتید و دانشجویان در فرآیند توسعه برنامه درسی را فراهم نمی‌کند. این فقدان می‌تواند ناشی از عدم وجود کانال‌های ارتباطی مؤثر، محدودیت در اختیارات اساتید برای اعمال تغییرات، یا عدم توجه کافی به بازخوردهای دانشجویان باشد. در عین حال در عصر تحولات سریع فناوریانه و تغییرات

اجتماعی، برنامه درسی که قادر به تطبیق سریع با شرایط موجود نباشد، به سرعت از نیازهای واقعی دانشجویان و جامعه عقب می‌ماند.

در خصوص دیدگاه سیمرمن، درحالی که از نظر وی برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که فرآیند یادگیری را به صورت مرحله به مرحله و با وضوح کامل هدایت کند، اما برنامه درسی مورد نظر، در این زمینه دارای کاستی‌هایی است. به این معنا که ساختار این برنامه به اندازه‌ای شفاف و سازمان یافته نیست که مطالب آموزشی به طور مؤثر ارائه شوند. این عدم وضوح منجر به سردرگمی اساتید و دانشجویان در فرآیند یاددهی و یادگیری شده و در نهایت به کاهش کیفیت آموزش می‌انجامد.

تحلیل این برنامه درسی در نهایت نشان می‌دهد که ترجمه رسانه‌ای در مؤسسات آموزش عالی ایران مغفول مانده و برای آموزش آن نمی‌توان تنها به یک درس در مقطع کارشناسی اکتفا کرد. از این رو تعمیق و پردازش جزئیات این موضوع باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. برای دستیابی به هدف تعیین شده در این رشته که همانا جذب شدن دانشجویان در بازار کار است، باید دروس دیگری مانند ترجمه مطبوعاتی در کنار درس ترجمه رسانه‌ای ارائه شود تا دانشجویان ابعاد علمی این نوع ترجمه را فراگیرند. حتی اگر قرار باشد به این درس اکتفا شود باید سرفصل درس تغییر یابد و نکات مهمی مانند شناخت انواع رسانه و نقش فرهنگ‌ها در ترجمه رسانه‌ای در نظر گرفته شوند. با توجه به گستردگی و اهمیت فراوان این نوع ترجمه، طراحی دوره‌های تخصصی پس از مقطع کارشناسی چه به عنوان گرایشی در کارشناسی ارشد و چه دوره‌های تکمیلی آزاد ضروری به نظر می‌رسد.

یکی دیگر از مباحث کلیدی که در این برنامه درسی در نظر گرفته نشده است، موضوع عملکرد آموزشی ترجمه است. به منظور توضیح عملکرد ترجمه در آموزش زبان‌های خارجی، ولر به نقل از کاوتز چهار مرحله را تعریف کرده است (ولر، ۱۹۹۱): ۱. حل مشکلات معنایی، ۲. ابزارهای کنترل موفقیت یادگیری دانشجو، ۳. تمرین و آگاهی از ساختارهای زبانی (واژگانی، گرامری) و ۴. مقایسه زبانی از منظر دانش زبان‌شناختی، همچنین یادگیری مهارت‌های ترجمه (به عنوان مرحله پنجم) که به اعتقاد کاوتز (۲۰۰۲: ۴۴۰) می‌تواند به عنوان کارکرد مشروع ترجمه در آموزش زبان‌های خارجی به شمار رود.

مراحلی که توسط ولر و کاوتز برای آموزش زبان‌های خارجی تعریف شده‌اند، می‌توانند به‌عنوان پایه‌ای برای طراحی دوره‌های تخصصی‌تر، مانند ترجمه رسانه‌ای، نیز مورد استفاده قرار گیرند. در واقع، این مراحل را می‌توان با نیازهای خاص ترجمه رسانه‌ای تطبیق و گسترش داد. همان‌طور که در آموزش زبان‌های خارجی، یک روند منطقی و پیوسته برای یادگیری وجود دارد، در طراحی دوره‌های ترجمه رسانه‌ای نیز می‌توان از یک رویکرد مشابه بهره برد. این رویکرد تدریجی و ساختارمند به دانشجویان کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم را به‌صورت گام به گام کسب کنند. با در نظر گرفتن این موارد، می‌توان یک دوره توسعه یافته و کامل در حوزه ترجمه رسانه‌ای را با چهار مرحله زیر طراحی کرد:

مرحله اول- پیش از آغاز ترجمه: نخستین گام در طراحی و توسعه یک دوره جدید در حوزه ترجمه رسانه‌ای، تعیین دقیق اهداف یادگیری است. این اهداف باید به‌روشنی مهارت‌ها و دانشی را که دانشجویان در پایان دوره به دست خواهند آورد، توصیف کنند. برای این منظور، می‌توان از نظریه انواع متن استفاده کرد، که به شناسایی ویژگی‌های خاص مقالات مطبوعاتی کمک می‌کند. در این طبقه‌بندی، متون رسانه‌ای به‌عنوان متن‌های حاوی پیام در نظر گرفته می‌شوند که هدف اصلی آن‌ها انتقال اطلاعات، دانش، نظرات و حقایق است و این متون می‌توانند شامل مقالات علمی و غیرعلمی باشند.

مرحله دوم- درک ساختار و محتوای متون رسانه‌ای: در این مرحله، نوع و اعتبار متون رسانه‌ای اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. یکی از معیارهای اساسی در انتخاب رسانه‌ها و متون، اصالت آنهاست. متون اصیل بازتاب‌دهنده واقعیت زبان هستند و به دانشجویان این امکان را می‌دهند تا با اصطلاحات، ارتباطات فرهنگی، و روندهای زبانی معاصر آشنا شوند. در این زمینه می‌توان از نظریه ترجمه کارکردی بهره گرفت. این نظریه بر اهمیت متن هدف و عملکرد آن تأکید می‌کند، به‌جای تمرکز صرف بر متن مبدأ. مترجم باید هدف و نیت متن اصلی را درک کرده و آن را به‌گونه‌ای به زبان مقصد منتقل کند که تأثیری معادل ایجاد شود. این نظریه به تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌ای توجه دارد و معتقد است که یک متن می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف، عملکردهای متفاوتی داشته باشد و یک مترجم ماهر باید توانایی تشخیص و در نظر گرفتن این تفاوت‌ها را در فرآیند ترجمه داشته باشد.

مرحله سوم- تولید متن ترجمه: مرحله تولید شامل فرآیند ترجمه و بازبینی نهایی متن است. در این مرحله، دانشجویان

می‌توانند به‌طور فعال به ترجمه بپردازند و تجربیات عملی کسب کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل ترجمه متون رسانه‌ای یا انجام ترجمه‌های هم‌زمان برای داده‌های صوتی و تصویری، مانند نوشتن زیرنویس برای ویدئوهای کوتاه، باشد. در این مرحله، نظریه اسکوپوس می‌تواند راهگشا باشد. این نظریه بر این اصل استوار است که ترجمه‌ها باید با توجه به هدف و مخاطب خاصی صورت گیرند. وظیفه اصلی مترجم، تحقق هدف مورد نظر از ترجمه است. نظریه اسکوپوس بر انطباق انعطاف‌پذیر ترجمه با نیازهای ارتباطی زبان مقصد تأکید دارد و عوامل اجتماعی-فرهنگی، نقش مترجم و کارکرد متن مقصد را به‌عنوان عناصر کلیدی فرآیند ترجمه معرفی می‌کند.

مرحله چهارم- تحلیل متن ترجمه‌شده و ارزیابی عملکرد: پس از ترجمه یک متن رسانه‌ای، مرحله تحلیل و ارزیابی آن فرا می‌رسد که باید با استفاده از نظریه‌های معتبر در حوزه ترجمه انجام شود. در این مرحله، نظریه‌های کارآمدی که در آموزش ترجمه مورد تأیید قرار گرفته‌اند، بررسی می‌شوند تا به‌عنوان مبنایی برای آموزش مترجمان حرفه‌ای به کار گرفته شوند. یکی از نظریه‌های کاربردی در این زمینه، مطالعات توصیفی ترجمه (DTS) است. این نظریه عملکردهای ترجمه را از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی تحلیل می‌کند و هدف آن درک تأثیرات ترجمه بر جامعه و نقش مترجمان به‌عنوان واسطه‌های فرهنگی است. DTS با تأکید بر اهمیت زمینه، روابط قدرت و تأثیر هنجارهای فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های ترجمه، به تحلیل تجربی ترجمه‌ها می‌پردازد و آن‌ها را به‌عنوان بخشی از بافت فرهنگی و زبانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

در تمام این چهار مرحله در نظر گرفتن مهارت‌های بین‌فرهنگی برای مترجمان مطبوعات در این برنامه بسیار می‌تواند رهگشا باشد. این مهارت‌ها اهمیت بالایی دارند زیرا مهارت‌های بین‌فرهنگی به مترجمان مطبوعات امکان می‌دهد تا اشکال فرهنگی و زمینه آنها را درک کنند که منجر به ترجمه‌های دقیق و مناسب می‌شود. همچنین با استفاده از این مهارت‌ها، مترجمان مطبوعات قادرند تا تفاوت‌های فرهنگی را درک کنند و به آنها احترام بگذارند که امری حیاتی بوده و اشتباهات ترجمه‌ای و تفسیری را از بین می‌برد. در عین حال با مهارت‌های بین‌فرهنگی، مترجمان مطبوعات می‌توانند ترجمه‌هایی با کیفیت بالا تولید کنند که پیام مورد نظر را به‌درستی و مؤثر منتقل کنند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در عصر شتابزده و جهانی‌شده کنونی، مترجمان مطبوعاتی با داشتن مهارت‌های بین‌فرهنگی می‌توانند با تطبیق مناسب و حساس به فرهنگ و هنجارهای زبان مقصد، محتواهای رسانه‌ای را به‌درستی ترجمه کرده و پیام‌های درست را به جامعه مقصد انتقال دهند. این مسئله به‌ویژه در بزنگاه‌های اجتماعی و سیاسی اهمیت می‌یابد، جایی که یک ترجمه ناقص یا اشتباه، می‌تواند به یک فاجعه بزرگ ختم شود. مهارت‌های بین‌فرهنگی می‌توانند همچنین از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های بین‌فرهنگی، اقامت کوتاه‌مدت در خارج از کشور و تجربیات فرهنگی و نیز ترویج همدلی و رواداری کسب شوند.

بااین‌حال همان‌طور که در تحلیل برنامه و سرفصل درس «ترجمه رسانه‌ای» با پشتوانه نظریه‌های مربوط نتیجه‌گیری شد، این واحد درسی در مقطع کارشناسی به‌تنهایی در آموزش ترجمه رسانه‌ها و مطبوعات، کفایت نمی‌کند. ضمن اینکه به طرح این درس اشکالات عمده‌ای از جمله عدم در نظر گرفتن انواع و تعریف رسانه‌ها، عدم پردازش ساختار آنها و وجود مواردی که کمتر به ترجمه رسانه‌ای مربوط است، وارد است. اگر ملاک هدف‌گذاری رشته کارشناسی زبان و ادبیات آلمانی جذب فارغ‌التحصیلان آن در بازار کار باشد (همان‌طور که در صفحه ۷ برنامه درسی این رشته در سامانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ادعا شده است)^۱ باید دروس دیگری مانند ترجمه مطبوعاتی در کنار درس ترجمه رسانه‌ای ارائه شود تا دانشجویان ابعاد علمی این نوع ترجمه را فراگیرند. در غیر این صورت نیاز است دوره‌های مستقل یا در قالب مقطع کارشناسی ارشد تعریف و برنامه‌ریزی و سرفصل‌نویسی شوند.

بنابراین با استناد به نظرات غالب پژوهشگران در حوزه برنامه‌های درسی که در بخش پیشینه تحقیق به برخی از آنها اشاره شد، ضرورت تغییر برنامه درسی ترجمه مطبوعاتی به‌ویژه با توجه به تحولات جدید در عرصه آموزش ترجمه، متون مطبوعاتی و تحولات جهانی احساس می‌شود. این تحولات شامل تغییرات سریع در فناوری، شیوه‌های ارتباطی و نیازهای اطلاعاتی جامعه است که همگی بر نحوه تولید و مصرف محتوا تأثیر گذاشته‌اند. به‌علاوه، با توجه به گسترش روزافزون رسانه‌های نوین و برخط، نیاز به مترجمان حرفه‌ای که توانایی درک و ترجمه متون رسانه‌ای را داشته باشند، بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، بازنگری در برنامه‌های آموزشی به‌منظور پاسخگویی به این چالش‌ها و نیازها ضروری است. با

استناد به چهار سؤال کلیدی مطرح‌شده از سوی رالف تاپلر در بخش چهارچوب نظری و همچنین بررسی موردی سرفصل درس ترجمه متون رسانه‌ای، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اصلاح و بهبود شیوه‌های آموزشی در حوزه ترجمه رسانه‌ای امری ضروری است. وی با تأکید بر اهمیت اهداف آموزشی، ساختار برنامه، روش‌های تدریس و ارزیابی، چهارچوبی را ارائه می‌دهد که به طراحی مؤثرتر برنامه‌های درسی کمک می‌کند. بر این اساس بررسی سرفصل‌های درسی موجود و مقایسه آنها با نیازهای واقعی بازار کار، نواقص و کاستی‌هایی را در آموزش ترجمه رسانه‌ای نمایان می‌کند که می‌توان با انجام اصلاحات زیر آنها را برطرف کرد:

۱. توسعه اهداف آموزشی واضح و قابل اندازه‌گیری: تعیین اهداف مشخص و مرتبط با نیازهای بازار کار و چالش‌های واقعی در حوزه ترجمه رسانه‌ای. این اهداف باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه‌تنها به دانشجویان کمک کنند تا مهارت‌های لازم را کسب کنند، بلکه به آنها امکان دهند تا در شرایط واقعی کار نیز موفق عمل کنند. به‌عنوان مثال، اهداف آموزشی باید شامل توانایی تحلیل متون مختلف، درک زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و استفاده از فناوری‌های نوین در ترجمه باشد.

۲. طراحی ساختار منطقی و منسجم برنامه درسی: ایجاد یک برنامه درسی که به‌طور مؤثر اهداف یادگیری را پوشش دهد و به دانشجویان این امکان را بدهد که به‌طور تدریجی و منطقی مهارت‌های خود را توسعه دهند. این ساختار باید شامل توالی منطقی دروس، از مباحث پایه تا مباحث پیشرفته‌تر باشد و همچنین ارتباط بین دروس مختلف را تقویت کند. به‌این‌ترتیب، دانشجویان می‌توانند به‌طور مستمر و پیوسته پیشرفت کنند و مهارت‌های خود را در زمینه‌های مختلف تقویت نمایند.

۳. استفاده از روش‌های تدریس متنوع و نوآورانه: به‌کارگیری روش‌های آموزشی که شامل یادگیری تجربی و عملی باشند و به دانشجویان کمک کنند تا با چالش‌های واقعی در دنیای ترجمه رسانه‌ای مواجه شوند. این روش‌ها می‌توانند شامل کارگاه‌های عملی، پروژه‌های گروهی و تحلیل موردی باشند که به دانشجویان این امکان را می‌دهند تا مهارت‌های خود را در شرایط واقعی آزمایش کنند. همچنین، استفاده از فناوری‌های آموزشی و ابزارهای نوین می‌تواند به بهبود فرآیند یادگیری و افزایش انگیزه دانشجویان کمک کند.

^۱ <https://www.msrt.ir/fa/grid/283>

۴. ایجاد ساز و کار ارزیابی جامع و کارآمد: طراحی روش‌های ارزیابی که به‌طور مستمر پیشرفت دانشجویان را زیر نظر داشته و به آن‌ها بازخوردهای سازنده ارائه دهد. این ساز و کارهای ارزیابی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها دانش و مهارت‌های دانشجویان را اندازه‌گیری کنند، بلکه به آن‌ها کمک کنند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و در جهت بهبود عملکرد خود گام بردارند. به‌علاوه، ارزیابی‌های مستمر می‌توانند به ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری کمک کنند و به اساتید این امکان را بدهند تا به‌طور مؤثرتر نیازهای آموزشی دانشجویان را شناسایی کنند.

در این راستا، بهره‌گیری از رویکردهای نظریه‌پردازانی همچون تابا می‌تواند بسیار مؤثر باشد. تابا بر اهمیت ادغام تخصص اساتید و دیدگاه‌های دانشجویان در فرآیند توسعه برنامه درسی تأکید دارد. این همکاری می‌تواند به درک بهتر نیازهای خاص دانشجویان منجر شود و قابلیت پذیرش و اجرایی بودن برنامه درسی را در دانشگاه تضمین کند. به‌علاوه، این ادغام می‌تواند به ایجاد یک محیط یادگیری مشارکتی و پویا منجر شود که در آن دانشجویان احساس کنند که نظرات و تجربیات آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و در فرآیند یادگیری مؤثر است. برای این منظور (همان‌گونه که سیمرمن تأکید دارد) باید از کلی‌گویی در نوشتن سرفصل درس ترجمه مطبوعاتی پرهیز کرد. به‌عبارتی دیگر مطالب آموزشی باید به‌طور دقیق و واضح مشخص شوند و به‌گونه‌ای طراحی شوند که عملیاتی بوده و در کلاس قابل استفاده و پیاده‌سازی باشند.

این دقت در طراحی مطالب آموزشی نه تنها به بهبود فرآیند یادگیری کمک می‌کند، بلکه به دانشجویان امکان می‌دهد که با اطمینان بیشتری به ترجمه متون رسانه‌ای بپردازند و درک بهتری از محتوای درسی خود داشته باشند. علاوه بر اینها، در زمان ترجمه متون انتخاب‌شده در کلاس درس، توجه به متغیرهایی که در ترجمه رسانه‌ای اهمیت دارند، ضروری است. این متغیرها که در نظریه کلستر به آن‌ها اشاره شده است، شامل زمینه فرهنگی، سبک و لحن، واژگان فنی و... می‌باشند و چالش‌های اصلی دانشجویان در یادگیری روش‌های ترجمه مطبوعاتی به شمار می‌روند. توجه به این متغیرها می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا ترجمه‌های دقیق‌تر و متناسب‌تری ارائه دهند و در نتیجه، کیفیت کار آن‌ها در حوزه رسانه بهبود یابد.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، برای گنجاندن مؤثر ترجمه رسانه‌ای در برنامه‌های درسی، باید مراحل مختلفی طی شود.

ابتدا باید نیازهای ترجمه رسانه‌ای را شناسایی کرد و مشخص نمود که قرار است چه نوع محتوایی ترجمه شود. این امر مستلزم بررسی دقیق نیازهای جامعه و مخاطبان رسانه‌ای است. به‌عبارتی، باید مشخص شود که چه اخبار و محتوایی مورد نیاز مخاطبان است و در چه زمینه‌هایی ترجمه‌های رسانه‌ای ضروری به نظر می‌رسند. این بررسی می‌تواند از طریق مطالعات میدانی، نظرسنجی از مخاطبان و همچنین مشورت با متخصصان و صاحب‌نظران حوزه رسانه انجام شود. در همین حال ایجاد یک پایگاه مواد آموزشی که شامل متون ترجمه‌شده باشد، به دسترسی یکسان دانشجویان به محتوا کمک می‌کند و امکان مقایسه ترجمه‌ها را فراهم می‌سازد. در این میان افزودن عناصر تعاملی مانند انجمن‌های گفتگو و فعالیت‌های گروهی، مشارکت دانشجویان را افزایش می‌دهد و به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا در محیطی مشارکتی و تعاملی به یادگیری بپردازند.

از دیگر سو آموزش اساتید برای استفاده مؤثر از مواد جدید و فناوری‌ها ضروری است. اساتید باید با روش‌های نوین تدریس و ابزارهای دیجیتال آشنا شوند تا بتوانند به‌طور مؤثرتری دانشجویان را در فرآیند یادگیری درگیر کنند. در نهایت، ارزیابی مداوم برنامه درسی و جمع‌آوری بازخورد از دانشجویان و اساتید، امکان تطبیق برنامه با نیازهای بازار کار را فراهم می‌کند. این بازخوردها می‌توانند به شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه درسی کمک کنند و به اساتید و برنامه‌ریزان آموزشی این امکان را بدهند تا برنامه را به‌طور مستمر بهبود بخشند. در تکمیل این فرایند، ارزیابی‌های مستمر نیز می‌تواند به ارتقای انگیزه دانشجویان کمک کند و به آن‌ها بازخورد لازم را برای بهبود عملکردشان ارائه دهد.

در انتها پیشنهادهایی برای بهبود طراحی یک روش آموزشی جامع و کارآمد در دوره‌های مترجمی رسانه ارائه می‌شود. در خصوص انتخاب متون، پیشنهاد می‌شود از طیف متنوعی از انواع متون رسانه‌ای استفاده شود. این تنوع به دانشجویان کمک می‌کند تا با چالش‌های خاص هر نوع متن آشنا شده و مهارت‌های لازم برای ترجمه آن‌ها را کسب کنند. انواع پیشنهادی متون عبارتند از:

- متون حاوی اطلاعات مانند گزارش‌های خبری، مقالات علمی
- متون تحلیلی مانند سرمقاله‌ها، تحلیل‌های سیاسی
- متون نظری مانند ستون‌های نظری، یادداشت‌های روزنامه‌نگاران

مصاحبه‌ها شامل مصاحبه‌های خبری، گفتگوهای تخصصی

متون ایدئولوژیک مانند بیانیه‌های سیاسی، مقالات حزبی
متون تبلیغاتی مانند آگهی‌های تبلیغاتی، محتوای بازاریابی
بخش نظرات خوانندگان، نامه‌های ارسالی به سردبیر
در مواجهه با انواع مختلف متن، اهداف، کارکرد و دیگر
جنبه‌های ترجمه نیز تغییر می‌کند. متون اطلاعاتی و تحلیلی
اغلب نیازمند یک ترجمه دقیق و منطقی هستند تا واقعیت‌ها و
اطلاعات به درستی منتقل شوند. متون نظری و مصاحبه‌ها
نیازمند یک ترجمه حساس‌تر هستند تا نظرات شخصی و
اظهارات نویسنده یا مصاحبه‌شونده را منعکس کنند. متون
ایدئولوژیک و تبلیغات نیازمند یک تحلیل انتقادی هستند تا
اهداف ایدئولوژیکی یا تجاری موجود در پس‌زمینه متن را درک
و منتقل کنند. نظرات نیز نیازمند یک ترجمه روان هستند تا
نظرات خوانندگان را منعکس کرده و بیان کنند. از این منظر
تئوری انواع متن می‌تواند به تشخیص و در نظر گرفتن
ویژگی‌های خاص متون مطبوعاتی کمک کند.

همچنین در راستای بهبود عملکرد اساتید و دانشجویان در
دوره‌های یاد شده، پیشنهاد می‌شود مراحل چهارگانه زیر که
بر چهار نظریه ترجمه کاربردی، نظریه اسکوپوس و مطالعات
توصیفی ترجمه استوار است، در دستور کار قرار گیرد:

۱. تحلیل مقالات مطبوعات و انواع متن آن‌ها برای
شناسایی وظایف و اهداف تعریف شده هر متن که می‌تواند به
شناسایی و مقابله با چالش‌های ترجمه رسانه‌ای کمک کند.
۲. شناخت رویکرد و عملکرد متن هدف به عنوان دستاورد
اصلی ترجمه. یک دوره آموزش ترجمه می‌تواند روی آموزش
چگونگی درک هدف و عملکرد متن اصلی و انتقال آن به متن
هدف متمرکز شود.

۳. شناخت هدف متن ترجمه‌شده (اسکوپوس) به عنوان
یک اصل مهم در ترجمه مطرح می‌شود و ممکن است این
هدف با هدف متن اصلی متفاوت باشد. آموزش ترجمه می‌تواند
بر چگونگی درک این هدف و انتخاب ترجمه‌های مناسب بر
اساس آن تمرکز کند.

۴. تحلیل فرایندها و تصمیم‌گیری‌های ترجمه، به منظور
شناسایی و مقابله با چالش‌های ترجمه مطبوعات. یک دوره
آموزش ترجمه رسانه‌ای می‌تواند روی چگونگی تجزیه و تحلیل
فرایندها و تصمیم‌گیری‌های ترجمه خود و بهبود آن‌ها متمرکز
شود. این دوره که بر اساس نظریه‌های انواع متن، نظریه ترجمه
کاربردی، نظریه اسکوپوس و مطالعات توصیفی ترجمه استوار

است، به دانشجویان کمک می‌کند تا چالش‌های ترجمه
مطبوعات را شناسایی و با آنها مقابله کنند. این آموزش می‌تواند
به آنها کمک کند تا فرایندها و تصمیم‌گیری‌های ترجمه خود
را بهبود بخشند و محصولی مؤثر و هدفمند ایجاد کنند که اثر
مطلوب را در خواننده به وجود آورد.

از آنجاکه طراحی برنامه درسی مستلزم راهبردهای ارزیابی
مناسب برای سنجش پیشرفت دانشجویان و ارائه بازخورد به
موقع است، یک رویکرد ارزیابی متوازن پیشنهاد می‌شود که
شامل ارزیابی‌های فردی و جمعی باشد. برای این منظور
می‌توان از روش‌های ارزیابی مختلفی از جمله آزمون‌های
ترجمه، ارزیابی نمونه کارها و خودارزیابی استفاده کرد.
ارزیابی‌های فردی نیز مانند آزمون‌ها و ارزیابی بین
همکلاسی‌ها، به نظارت بر پیشرفت دانشجویان کمک می‌کند
و بازخوردی فوری برای آگاهی از میزان یادگیری و پیشرفت
آنها ارائه می‌دهد.

منابع:

مقدم چرکاری جبران (۱۳۹۹): نقد آموزش نظریه‌های غربی
ترجمه در دو درسنامه آموزش ترجمه ادبی در ایران،
پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی
دوره ۲۰، شماره ۸، ۳۵۵-۳۶۸.

قاسمی نژاد بهرام آبادی، مهدی، حیدری، فرخ لقا (۱۴۰۲):
تأثیر آگاهی از ساختار متن بر درک مطلب و یادآوری
مکتوب متون استدلالی در فراگیران ایرانی زبان
انگلیسی، نشریه پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های
خارجی، دانشگاه تهران، دوره ۱۳، شماره ۴، دی
۱۴۰۲، ۵۶۳-۵۷۸.

محرم زاده، بهنام، شوبیری، لیلا، حیاتی آشتیانی، کریم
(۱۴۰۳): اثربخشی آموزش میان‌فرهنگی بر توانش
منظورشناختی و علاقه‌مندی به محتوای ادبی: مورد
دانشجویان مقطع کارشناسی (ترم‌های ۸-۵) رشته زبان
فرانسه در دانشگاه‌های ایران، نشریه پژوهش‌های
زبانشناختی در زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران،
دوره ۱۴، شماره ۱، خرداد ۱۴۰۳، ۱۶۸-۱۵۱.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، لیست کامل رشته‌ها، ۱۴۰۳-
(<https://www.msrt.ir/fa/grid/283>)

Arzjani, F. (2020). Zur Stellung der Landeskunde
in den Curricula des Studienfachs
„Deutsche Sprache mit dem Schwerpunkt

- Kincheloe ed.). Praeger Publishers. Retrieved from https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/62862118/Situated_cognition_Vygotskian_thought_an20200407-44895-00yex6-libre.pdf?1586282325=&response-content-disposition=inline%3B+filename%3DSituated_cognition_Vygotskian_thought_an.pdf&Expires=1707288724&Signature
- Katan, D. (2012). Cultural Approaches to Translatio. Università del Salento. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/319324747_Cultural_Approaches_to_Translation.
- Kautz, U., *Das Handbuch Didaktik des Übersetzens und Dolmetschens*, 2002, München, iudicium
- Károly, Krisztina et al. (2012). *Szövegkohézió és sajtófordítás: Kohéziós eltolódások*. Fordítástudomány. Vol. XIV, No. 2., 30–67.
- Khazai Farid, E. (2001). *Ein Blick auf den Lehrplan des Masterstudiengangs Übersetzung*. Translator's Quarterly Nr. 35, 65-67.
- Khosh Saligheh, M. (2014). Target abilities in Farsi and English translator training. *Translation Studies Quarterly* No. 47, 113-143.
- Kloster, I. (2021): Methoden der empirischen Translationswissenschaft und ihr Einsatz in der ostslawischen Übersetzung: Beobachtung, Intro- und Retrosspektion, Befragung, *Studia Linguistica*, S. 127-145.
- Lee, J. (2005). New Cognitive Approaches in Process-Oriented Translation Training. Retrieved from
- Übersetzungswissenschaft“ an iranischen Universitäten. *R u m e l i D E D i l v e E d e b i y a t A r a ş t ı r m a l a r ı D e r g i s i*, 709-741.
- Bessadi, N. (2023, September). Media Translation: Navigating Complexities. Retrieved from <https://www.linkedin.com/pulse/media-translation-nourredine-bessadi/>
- Bausch, Ch .(2016). *Handbuch Fremdsprachenunterricht* . München, Basel, Wien: Narr Francke Attempto Verlag.
- Bhuttah, T., & Ullah, H. & Javed, S. (2019). Analysis of Curriculum Development Stages from the Perspective of Tyler, Taba and Wheeler. *European Journal of Social Sciences*, 14-22. Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/349835298>
- Frye, R. N. (1975). *The Cambridge History of Iran*. Cambridge University Press. Retrieved from <https://www.cambridge.org/core/books/abs/cambridge-history-of-iran/bibliography/504AFB7EEC9F0BCE3BC6E793DAD7850C>
- Gambier, Y. & Doorslaer, L. (2009). *The Metalanguage of Translation. Special issue of Target* 19 (2). [Also available in book form with the same title. Amsterdam: Benjamins.
- Helbig, G. (2001). *Deutsch als Fremdsprache*. Berlin, New York: Walter de Gruyter.
- Heydarian, H. (2001). Master's degree in translation: unspoken words. *Translation Studies Quarterly* No. 2, 75-82.
- Horn Jr., R. A. (2007). *The Praeger Handbook of Education and Psychology* (Joe L.

<http://www.erudit.org/revue/meta/2005/v50/n2/010942ar.pdf>

Mir Emadi, E. (2003). A reflection on the university translation program and a solution to the problem. *Translation Studies Quarterly* No. 2, 53-64.

Mollanazar, H. (2003). Die aktuelle Situation der Übersetzungsausbildung im Iran. *Translation Studies Quarterly* Nr. 6, 7-26.

Razmjoo, L. (2001). Solutions to improve the translator training program. *Translator Quarterly*, No. 35, 40-47.

Swales, J. (1990). *Genre Analysis: English in Academic and Research Settings*.

Tehrani, M. E. (2003). Shortcomings of translation education in Iran. *Translation Studies Quarterly* No. 2, 89-94.

Tyler, R. W. (1949). Basic Principles of Curriculum and Instruction. Retrieved from <https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/B/bo17239506.html>

Vermeer, H. (2014). *Skopos-Theorie*. Routledge *Encyclopedia of Translation Studies*.

Weller, F.-R. (1991). Themenheft: Fehler im Fremdsprachenunterricht. *Die Neueren Sprachen*, 6-90.

Zia Hosseini, M. (2003). Translator training. *Translation Studies Quarterly* No. 2, 83-88.

Zimmermann, G. (2007): *Das sprachliche Curriculum*. In: Bausch, Karl- Richard; Christ, Herbert & Krumm, Hans-Jürgen (Hrsg.): *Handbuch Fremdsprachenunterricht*. 3. Auflage. Tübingen: Francke, 135-142.